

سخن امام خمینی در باره اشکال اول مرحوم آخوند:

حضرت امام سخن مرحوم آخوند را چنین تقریر می کنند:

«و يمكن أن يقال في تقريره: إن نقيض أحد العينين يحمل على عين الآخر بالحمل الشائع و لو عرضيًا، و هو يقتضى الاتحاد، و لا يعقل أن يكون المتحدان مختلفين في الرتبة. بيان صدق أحد النقيضين على عين الآخر: أن السواد لا يصدق على البياض، و إلاّ اجتمع الضدان، و مع عدم صدقه لا بدّ و أن يصدق عليه نقيضه، و إلاّ ارتفع النقيضان، و الصدق يقتضى الاتحاد، و هو ينافى التقدّم و التأخّر رتبة، فثبت اتّحادهما رتبة.»^۱

توضیح:

۱. صلوة و عدم اكل، به حمل شایع بر هم حمل می شوند (یعنی می توان گفت «صلوة عدم اكل است»)
۲. البته عدم اكل مصداق عرضی صلوة است (زید مصداق ذاتی انسان است و مصداق عرضی ابیض)*
۳. چنین حملی لازمه اش اتحاد وجود است و وقتی دو چیز با هم متحد وجودی باشند، نمی توانند اختلاف رتبه داشته باشند.

حضرت امام سپس بر این تقریر اشکال می کنند:

«و الجواب: أن نقيض صدق البياض على السواد عدم صدقه عليه على أن يكون السلب تحصيليًا، لا صدق عدمه عليه بنحو الإيجاب العدوليّ أو الموجبة السالبة المحمول، فالبياض إذا لم يصدق عليه أنّه سواد صدق عليه أنّه ليس بسواد بالسلب التحصيليّ، و هو نقيض الإيجاب، لا صدق عدم السواد، لأنّ نقيض صدق الشيء عدم صدقه، لا صدق عدمه حتّى يلزم اتّحادهما في الوجود و لو بالعرض.»^۲

توضیح:

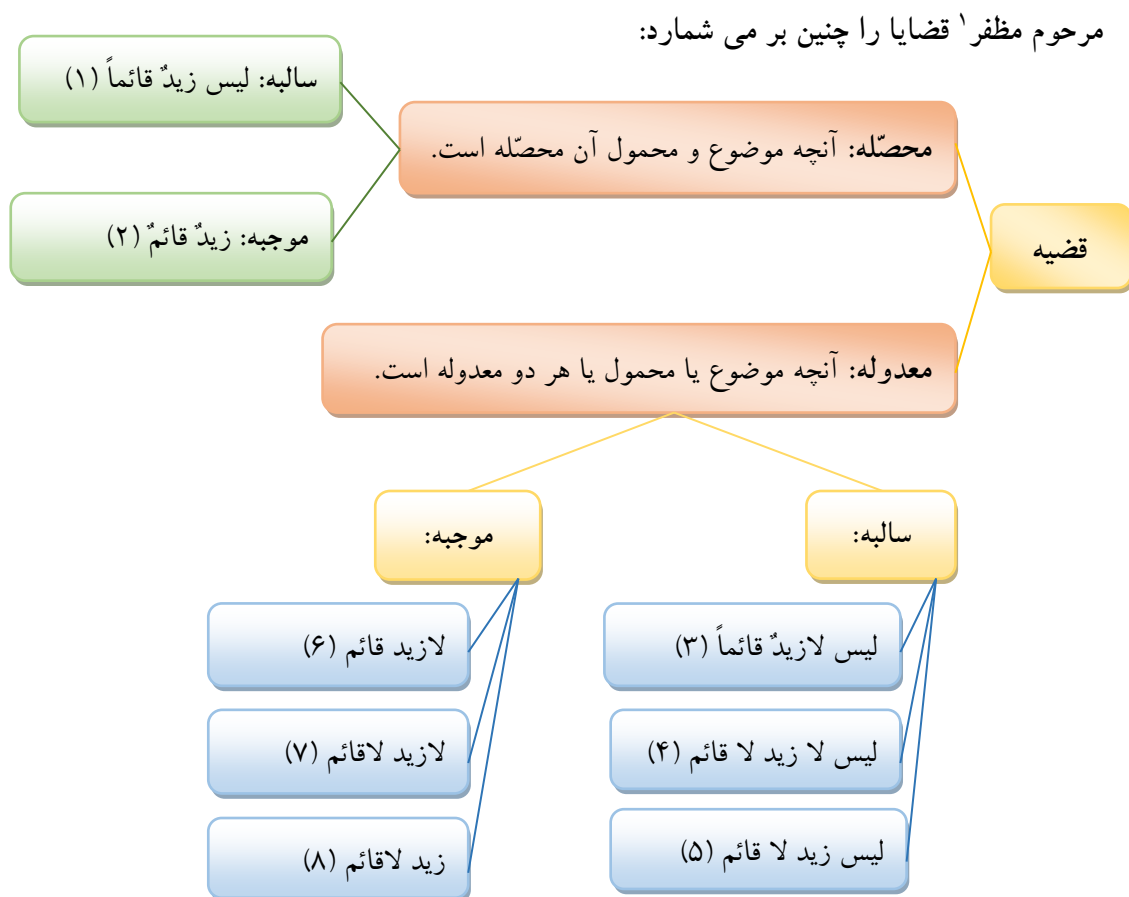
۱. اگر متضادین را سفیدی و سیاهی گرفتیم و گفتیم قضیه «سیاهی سفیدی است» کاذب است، نقيض آن، «سیاهی سفیدی نیست» می باشد.

۱. امام خمینی، روح الله، مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۲، ص ۱۰.

۲. امام خمینی، روح الله، مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۲، ص ۱۰.



۲. و این قضیه ، سالبه محصله است (یعنی محمول، عدمی نیست و سلب به حمل تعلق گرفته است)
۳. و نه اینکه تقيض آن، «سیاهی لا سفیدی است» باشد (موجب سالبه المحمول یا ایجاب عدولی - با تفاوتی که در این دو می باشد-)
۴. پس سفیدی اگر بر آن سیاهی صدق نکند، می توان گفت سفیدی سیاهی نیست ولی نمی توان گفت سفیدی، لا سیاهی است.
۵. پس سیاهی و سفیدی اتحاد مصداقی ندارند.
- ما می گوئیم: امام بین ایجاب عدولی و موجب سالبه المحمول فرق می گذارند.



۱. ن ک: منطق مظفر، ج ۱، ص ۱۶۴.



روشن است که طبق این تعریف قضیه ۸ موجب معدوله المحمول است که به آن می توان «ایجاب عدولی» هم گفت.

حضرت امام فرق بزرگی بین قضیه سالبه محصله و موجب معدوله المحمول می گذارند. ایشان مدعی هستند که لیس زید بقائم در صورت انتفاع موضوع هم صادق است ولی «زید لاقائم» چون موجب است، تنها در صورتی صادق است که زید موجود باشد و «لاقائم» باشد و لذا موجب معدوله المحمول، به انتفاع موضوع، صادق نیست.

نکته دیگر در منظر امام، تمایز بین «لیس زید بقائم» و «زید لیس بقائم» است. ایشان جمله دوم را موجب سالبه المحمول می نامند و آن را هم حکم با موجب معدوله المحمول (ایجاب عدولی) بر می شمارند. تنها فرق ایجاب عدولی و موجب سالبه المحمول از نگاه ایشان آن است که در یکی محمول مفرد است و مفهوم واحدی است و دیگری محمول، جمله است.

حضرت امام می گویند عدم تمایز بین «محصله موجب سالبه المحمول» و «محصله سالبه» باعث بروز اشکالات فراوان شده است:

«و عدم التمييز بين السلب التحصيلي و الإيجاب العدولي و الموجبة السالبة المحمول موجب لكثير من المغالطات و الاشتباهات.»^۱

حضرت امام این مطلب را در تقریرات فلسفه خویش^۲ هم مورد اشاره قرار داده اند.

۱. امام خمینی، روح الله، تهذیب الأصول، ج ۱، ص ۴۱۲.

۲. امام خمینی، روح الله، تقریرات فلسفه، ج ۱، ص ۱۷۴.

